

## الگوی مبارزه ملتها

□ سید عیسی حسینی مزاری

*اشاره: آقای سید عیسی حسینی مزاری از نویسندگان افغانستان و از ارادتمندان امام خمینی است که مقالاتی درباره حضرت امام، افغانستان، مسایل سیاسی و اجتماعی نوشته است. دو مقاله زیر که توسط ایشان در نوزدهمین و بیستمین سالگرد عروج ملکوتی امام خمینی به رشته تحریر درآمده است اخیراً به دفتر مجله حضور رسید که عیناً در پی می‌آید.*

### امام خمینی الگوی مبارزه ملتها

این بار نوشتن بسیار سخت به نظر می‌رسد. پرداختن به شخصیتی که تا هنوز ناشناخته مانده و بزرگترین تحلیل‌گران و اندیشمندان تاریخ معاصر نیز نتوانسته‌اند زاویه‌ای از زوایای زندگی او را باز گویند، بنده با این بضاعت اندک، کجا خواهم توانست چیزی از خصوصیات و ویژگی‌های مردی را بنویسم که زندگی او سراسر راز و پر از نکته است. آری آن مرد و آن انسان سترگ، حضرت امام خمینی است. او که در چهاردهم جوزای سال ۱۳۶۸ چشم از جهان بست و عالمی را در سوگ و ماتم خود نشانده و هر سال که این روز فرا می‌رسد باز همه چشمها گریان و تمام قلبها نالان و کل آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان، مهموم گردیده زانوی غم به بغل می‌گیرند.

ولی سزاوار خواهد بود که هر کسی به قدر توان خود با توضیح و تشریح برخی از خصوصیات روحی، اخلاقی و رفتار امام خمینی، حداقل خود را سیراب از معنویت بی‌نهایت آن

بزرگمرد تاریخ معاصر نماید. بنابراین اکنون که در نوزدهمین سالروز عروج ملکوتی آن بت‌شکن تاریخ قرار داریم چند نکته را در مورد شخصیت آن قله رفیع سعادت انسانی باز می‌نویسم.

### امام خمینی و خداوند متعال

امام خمینی همه چیزش خدایی و تمام حرکات و سکناتش برای خدا بود و جز خدا به هیچ چیز دیگر نمی‌اندیشید و حول محور هیچ موجود دیگر نمی‌چرخید. برای خدا زندگی را آغاز کرد، برای او زنده بود و حرکت مبارزاتی خویش را در محور حق تعالی ادامه داد و در نهایت در راه او زندگی پرثمر خویش را خرج نمود تا اینکه با روح آرام و قلب مطمئن، این دنیا را ترک گفت. همین خصوصیت و ویژگی بود که امام خمینی را به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین مرد این تاریخ مطرح نمود، به گونه‌ای که کاخ‌های مستحکم ظلم را شکست و در تار و پود استکبار جهانی، گسستگی ایجاد نمود و ضربه محکمی بر پیر که کفر و الحاد وارد کرد که تمام قدرتمندان عالم به هراس افتاده هر کدام به نحوی سعی و تلاش برای مانده داشتند و راهی جستجو می‌کردند تا به هر شکلی، از مواجهه با سیل عظیم و بنیان‌کنی که امام خمینی در سطح جهان به راه انداخته بودند، در امان بمانند. این در حالی بود که امام خمینی یک انسانی بود که نه ارتش تا به دندان مسلح و نه تسلیحات اتمی و نه اقتصاد آنچنانی داشت، بل آنچه امام خمینی با آن مسلح بود که هیچ قدرت دیگری از آن برخوردار نبود، خدا بود که در لحظه لحظه زندگی امام خمینی حضور جدی داشت و او را یاری می‌کرد و هم او را بعد از ارتحالش جاودانه و ماندگار ساخت، به نحوی که هر چه از سالهای عروجش می‌گذرد نه تنها امام خمینی از ذهن‌ها و خاطره‌ها فراموش نمی‌شود که بیشتر درد‌ها و سینه‌ها رسوخ پیدا نموده و در این شرایط وانفسا و ظلم بی‌حد و حصر استکبار علیه ملت‌های آزاده، هر گروه و جمعیتی علاقمند می‌شوند تا به هر شیوه ممکن و حتی با برگزاری محافل و مراسم، ارادت و عشق خویش را به آن رهبر عالی مقام، ثابت نمایند و با ذکر فضایل آن فقید، معنویتی عظیم کسب نمایند و تمام خصوصیات روحی و روانی و رفتاری آن بزرگوار را سرمشق زندگی خود قرار دهند.



## امام خمینی و مردم

امام خمینی پس از خدا توجه عمیقی به مردم داشت و معتقد بودند که اگر قرار باشد برای خدا، واقعاً حرکتی در پیش گرفته شود بایستی برای نجات انسانها از قید و بند استکبار جهانی کاری کرد و آن بزرگوار مهمترین راه کار نجات انسانها وارد کردن اسلام در عمق زندگی مردم می دانستند و این اعتقاد را داشتند که اگر مردم حقیقتاً به ریسمان محکم خداوند چنگ بزنند رستگار و رها خواهند شد؛ چنانچه از ابتدای مبارزات پیگیر خود، به این موضوع توجه جدی داشت و بالاخره به این خواسته خود رسید. از یک سو احکام اسلامی را که آهسته آهسته از جوامع اسلامی و انسانی رخت بر بسته بود دوباره بین مردم برگرداندند و به احیای مجدد و گرامی داشت و اجرای شعایر و احکام اسلامی موفق شدند و از سوی دیگر با زنده نمودن و قوی ساختن انگیزه مردم برای تمسک به احکام واقعی اسلام و اجرای یکایک فرامین الهی در زندگی روزمره آنان، اسباب زنده ساختن توده مردم را فراهم ساخت تا جایی که همگان شاهد بودند و هستند که بعد از انقلاب امام خمینی، انسانهای عالم به خصوص ایرانی ها از روحیه دیگر و از اراده و تصمیم بسیار قاطعی برخوردار شدند تا جایی که ایرانیان به خصوص در دنیای اسلام به جایگاه و مرتب بسیار عالی و محبوبی رسیدند. امام خمینی مردم شناس بود و می دانست که چگونه حرکت کند تا هم اسلام توسط مردم احیا شود و هم مردم با پیروزی از احکام اسلام دوباره به مسیر زندگی درست و اصیل انسانی خود برگردند. گذشته از همه، امام خمینی در هیچ لحظه ای از عمر خود از مردم جدا نبود و در پای هیچ معامله ای ولو به بزرگی و ارزشمندی جهان، مردم را فدا نکرد. بگذریم از مردم ایران که این معامله را به قیمت قربانی شدن مردمان خارج از ایران هم انجام نداد. چنانچه در زمان جهاد مردم افغانستان، وزیر خارجه وقت اتحاد جماهیر شوروی، خدمت امام خمینی رسید و از ایشان تقاضا کرد که دست از حمایت جهاد مردم افغانستان بردارند و در عوض، شوروی ها، امکانات نظامی به خصوص موشکهای دوربرد به رژیم صدام نخواهد داد تا بتواند قلب تهران را نشانه بگیرد و پایتخت مورد اقامت آن بزرگوار را تخریب کند؛ اما جواب امام خمینی چنان دندان شکن بود که باعث حیرت نه تنها وزیر خارجه شوروی که تمام قدرتمندان دنیا شد و

آن پاسخ، نه، بود در برابر بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا. امام حاضر نشد حتی به خاطر درمان ماندن جان خودش، از حمایت مجاهد مردان افغانستان دست بکشند و این رفتار بود که امروزه امام خمینی همچنان در قلوب توده‌های ملیاردی انسانها به خصوص مردمان غیور و قهرمان افغانستان جا دارند و این مسئله است که مردم مظلوم و پابره‌نه افغانستان همچنان به آرمانها و اهداف امام خمینی پایبندند و حاضرند تا آخر عمر این راه را بروند و اگر چه هیچگاهی نخواهند توانست آن افغان دوستی امام خمینی را جبران نمایند؛ اما به هر حال علاقه‌مندند با پیروی راه آن امام همام، جبران آن فداکاری و از خود گذشتن امام خمینی را بنمایند.

### امام خمینی و استکبار

امام خمینی چون واقعاً خدایی بود یک پارچه ضد استکبار بود. آن بزرگوار چون مردم دوست بود اصولاً تجسم واقعی و عینی مبارزه با استکبار به نظر می‌رسید؛ چراکه استکبار، هم در برابر خدا قرار دارد و هم علیه منافع و موجودیت انسانهاست.

امام خمینی در زندگی خود لختی از مبارزه با استکبار دست نکشید و حتی آن هم به این فکر نکرد که با یک معامله‌ای با دشمن شاید بتواند چند صباحی را خودش و یا مردمش زندگی راحتی را سپری نمایند.

امام خمینی در مبارزه ضد استکباری خود این موضوع را خوب درک کرده بودند که هر مقداری علاوه بر شیاطین جنی، در برابر شیاطین انسی ایستادگی صورت بگیرد، برای بشریت مناسب و سودمند خواهد بود و اگر چه شاید در کوتاه مدت مشکلات و سختی‌های زیادی بر مسلمانها تحمیل شود؛ اما در درازمدت به نفع جوامع انسانی و اسلامی خواهد بود و با بیداری توده‌ها، رفاه، سعادت و خوشبختی به سراغ مردم دنیا خواهد آمد. چنانچه این موضوع، امروزه ثابت شده است و ملت‌های در بند دیروز، آقایان و سرداران زندگی امروز خود هستند. اگر نبود مبارزات قاطع و همه جانبه امام خمینی و روشنگری او در مورد اهداف و نیات پلید استکبار علیه هست و بود ملت‌ها، امروز توده‌های وسیعتری در بند بیشتری می‌رفتند و دنیا برای بشریت امروز به



عنوان زندان کلانی در می‌آمد که گله‌های بزرگی به ظاهر انسان را در خود جا داده بود.

## امام خمینی و ما

البته نکته‌ها و موضوعات بسیار فراوانی هستند که می‌شود درباره این مبارز سترگ قرن نوشت و مطرح کرد اما در این مجال اندک، امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد، اما آنچه تذکرش به جا و ضروری پنداشته می‌شود اینکه امروزه شخصیت‌های مبارز افغانستان و مجاهدان واقعی این سرزمین، نیازمند شدید این خصوصیات خدایی هستند که امام خمینی داشتند و اگر چه این تصور، که همه مانند آن بت‌شکن تاریخ عمل نمایند بسیار بعید و دور از ذهن احساس می‌شود، ولی اگر بتوانیم به قدر توان و ظرفیت وجودی خود از آن خصوصیات بارز و برجسته الهی امام خمینی بهره ببریم به طور قطع همه مشکلات مردم افغانستان رفع خواهد شد و بسیار به سرعت، امنیت، آرامش و ثبات به این کشور برخواهد گشت و بازسازی و ترقی معنوی و اقتصادی به مردم مجاهد و قهرمان پرور افغانستان رو خواهد نمود.

به امید آن روز، روح پر فتوح امام خمینی، آن یگانه تاریخ معاصر، شاد و راهش پر رهرو باد.

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی